

متن پرسش

شما در پاسخ به سؤالات قبلی فرمودید که: در غرب ابتدا گرایش نفس اماره به وجود آمد، آنگاه انواع هوس‌ها و شهرت‌دوستی و رقیب‌کشی به عنوان مبادی روح غربی ظهور کرد. در این راستا این دو سؤال مطرح می‌شود: الف) آیا این مثال‌ها به عنوان مبادی فکر غربی صحیح است؟ باید مشهور شویم. باید رقیب خود را حذف کنیم. ب) آیا مبادی غربی فقط از جنس «باید» است؟ اگر مبادی غربی از جنس «هست» هم هست، آیا می‌شود چند مثال بزنید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: مبادی در غرب و غیر غرب یعنی شخصیت پذیرفته شده به علم حضوری و بالتبع اگر شخصیتی که انسان برای خود پذیرفته است صورت نفس اماره‌ی او باشد نگاه اش به عالم، نگاه غربی است و در این راستا به حکم نفس اماره انواع هوس‌ها و شهرت‌دوستی‌ها پیش می‌آید. از آنجایی که مبادی هر کس شخصیت پذیرفته شده‌ای است که مد نظر دارد در آن شخصیت هم بحث «هست» مطرح است و هم بحث «باید». نمی‌توان مبادی غربی را بیرون از شخصیت پذیرفته شده منحصر به هست یا باید کرد. منتها آنچه را نفس اماره «هست» می‌داند و همی است و نظر به «وجود» ندارد و آنچه را نیز «باید» می‌داند بر اساس نیاز هوس‌اش می‌باشد. موفق باشید